

Asymmetric Balance in the NGO Context

Seyed Mohammad Moghimi¹, Sima Saghravani^{2*}

1. Professor, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran

2. Postdoctoral Researcher, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran

(Received: November 24, 2019; Accepted: September 19, 2019)

Abstract

The present study explains the non-governmental organization phenomenon and its context in Iran. In this study, the emergent approach of grounded theory methodology was applied, and 20 interviews were conducted with informed people based on the theoretical sampling principle until theoretical saturation was achieved. Then, by coding the resulting data and making continuous comparisons in the coding process, 980 codes, 12 concepts, and one core category emerged. Subsequently, the final model was entitled “asymmetry balance in non-governmental organizations context.” This model illustrates the asymmetric balance in which the NGOs and their associated contexts are more unhealthy than healthy. Besides, the government's attitude towards NGOs is definitely a security one. The results of the research findings emphasize that making changes to improve the healthfulness of this phenomenon and its underlying context is necessary.

Keywords

Non-governmental organizations (NGOs), NGO's context, Grounded theory.

* **Corresponding Author, Email:** sima.saghravani@ut.ac.ir

تعالی نامتقارن در بستر سازمان‌های مردم‌نهاد

سید محمد مقیمی^۱، سیماساغرانی^{۲*}

۱. استاد، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. پژوهشگر پسادکتر، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۰۳)

چکیده

در پژوهش حاضر پدیده «سازمان‌های مردم‌نهاد» و بستر مربوط به آن در کشور تبیین شده است. در این پژوهش از روش‌شناسی ظاهرشونده در «نظریه داده‌بنیاد» استفاده شد و بر اساس اصل نمونه‌گیری نظری ۲۰ مصاحبه با دست‌اندرکاران آگاه در این حوزه تا رسیدن به اشباع نظری صورت گرفت. در ادامه با کدگذاری داده‌ها و مقایسه مستمر در فرایند کدگذاری ۹۸۰ کد، ۱۲ مفهوم، و یک مقوله محوری به منزله مدل نهایی با عنوان «تعالی نامتقارن در بستر سازمان‌های مردم‌نهاد» پدید آمد. مدل حاصل تعالی نامتقارنی را نشان می‌دهد که در آن عدم سلامت سمن‌ها و بسترشان بیش از سلامت آن‌هاست. به‌علاوه، نگاه امنیتی دولت به سمن‌ها چشمگیر است. نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش ضرورت ایجاد تغییراتی در جهت رشد سلامت این پدیده و بستر آن را تأیید می‌کند.

کلیدواژگان

بستر سازمان‌های مردم‌نهاد، سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن)، نظریه داده‌بنیاد.

* رایانامه نویسنده مسئول: sima.saghvani@ut.ac.ir

مقدمه

«سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن)^۱ جزئی از مفهوم «بخش سوم»^۲ و «جامعه مدنی»^۳ هستند. این سازمان‌ها نهادهایی پیچیده‌اند. زیرا ذی‌نفعان گوناگونی دارند. ساختارهای سازمانی آن‌ها متنوع است. آن‌ها کارمندان حقوق‌بگیر را در کنار داوطلبان انجام کار جمع می‌کنند و به منابع مالی متعدد متکی هستند. مباحث پیچیده‌ای را در دستور کار قرار می‌دهند و طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها را انجام می‌دهند؛ از کاهش فقر و محرومیت اجتماعی گرفته تا ارتقای حقوق بشر و توسعه اعتقادات دینی و ایدئولوژی‌های خاص (Hall & O'Dwyer 2017). پدیده سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشینه سیاسی و اجتماعی جهان پدیده‌ای کلیدی و مورد توجه است و حذف آن از ساختار سیاسی و اجتماعی جهان قابل تصور نیست. زیرا سازمان‌های مردم‌نهاد نماد دموکراسی هستند و می‌توانند فضای تکثرگرایی را از آشوب حفاظت کنند و در عین حال بهینه‌ترین شکل مشارکت را به تصویر بکشند. با وجود این، هر پدیده‌ای، هر اندازه هم که مفید و موجه باشد، تا بستر مناسبی برای آن فراهم نشود نمی‌توان از آن انتظار دستاوردهای مثبت داشت. سازمان‌های مردم‌نهاد نیز از این قاعده مستثنی نیستند.

بیان مسئله

پدیده سازمان‌های مردم‌نهاد به منزله یکی از ارکان اصلی جامعه مدنی در حدود دو دهه اخیر وارد موضوعات سیاسی ایران شده است و به منزله ضرورت دموکراسی در ساختار اداری کشور جای گرفته است. اما بر اساس شواهد این پدیده همچنان جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده و درگیر مسائلی است که روند حرکت به سمت دموکراسی را کند و گاه معکوس می‌کند. در حقیقت شواهد متعدد در ساختار اداری، سیاسی، قانونی، و فرهنگی کشور به منزله بستر پدیده سازمان‌های مردم‌نهاد نشان می‌دهد این بستر نیازمند بازبینی دقیق برای بهبود کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد است و این بازبینی جز از طریق شناخت و تبیین وضع موجود و پیش‌بینی وقایع احتمالی امکان‌پذیر نیست.

-
1. Non-Governmental Organization = N.G.O
 2. Third Sector
 3. Civil Society

در پژوهش حاضر نیز بر اساس رویکرد مبتنی بر بستر در خصوص سازمان‌های مردم‌نهاد به واکاوی این پدیده و بستر مربوط به آن پرداخته شده است تا شناخت بیشتری از وضعیت موجود حاصل و گام‌های لازم در جهت وضعیت مطلوب برداشته شود.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

ترمینولوژی واژه NGOs^۱

پدیده NGO به منزله جزئی از مفهوم «بخش سوم» به شکل گنج‌کننده‌ای دربردارنده معادل‌های متنوعی است (Brass et al 2018; Vakil 2018)؛ از جمله: Civil Society Grassroots Organizations (CSOs), Community Based Organizations (CBOs), Faith-Based Organizations (FBOs), Private Voluntary Organizations, Organizations Private Non-Profit Organization (NPO), Civil Society Organization (CSO), Voluntary Organization (PVO).

با توجه به این تنوع واژگانی، در بسیاری از مواقع استفاده از واژه‌های متنوع نتیجه تفاوت‌های فرهنگی و تاریخی است که تفکرات در زمینه NGO در آن نمودار شده است (Lewis 2010). مثلاً در امریکا غالباً واژه Non-profit Organization استفاده می‌شود. زیرا در این کشور تفکر بازار غالب است. در انگلستان عموماً واژه Voluntary Sector استفاده می‌شود (Anheier 2005) که نشان‌دهنده سنت اقدامات داوطلبانه‌ای است که ارزش‌های مسیحیت آن را شکل داده است (Lewis 2010). اما در ارتباط با «اقدامات بین‌المللی» یا «اقدامات کشورهای در حال توسعه» واژه NGO به کار می‌رود. زیرا ریشه آن به شکل‌گیری سازمان ملل در سال ۱۹۴۵ برمی‌گردد (Lewis 2010). در مجموع امروزه واژه NGO واژه غالب در اغلب زبان‌هاست (Martens 2002).

تعریف «سازمان مردم‌نهاد» (NGO)

واژه NGO تا اندازه‌ای مبهم است؛ طوری که میان ملت‌ها به صورت غیر یکسان و تا حدودی گنج‌کننده مورد استفاده قرار می‌گیرد و تعاریف متعددی از آن وجود دارد

۱. با توجه به آنکه در خصوص «سازمان‌های مردم‌نهاد» معادل لاتین و واژگان مترادف متعددی وجود دارد، در بخش پیشینه پژوهش واژگان لاتین به‌کاررفته در متون اصلی را به کار می‌بریم.

(Anheier 2005). در ادامه تعاریف برخی از مؤسسات معتبر و پژوهشگران جهانی ارائه می‌شود (جدول ۱).

جدول ۱. تعاریف برخی از مؤسسات معتبر و پژوهشگران جهانی از NGO

نام	تعریف
بانک جهانی ^۱ (۱۹۹۵)	«سازمان مردم‌نهاد» (NGO) سازمانی خصوصی است که به دنبال فعالیت‌هایی در جهت کاهش آلام، ارتقای منافع محرومان، حفاظت از محیط زیست، تأمین خدمات اجتماعی اساسی، یا به عهده گرفتن توسعه اجتماعی است (Malena 1995).
اداره اطلاعات عمومی سازمان ملل متحد (بی‌تا)	«سازمان مردم‌نهاد» (NGO) به هر گروه شهروندی داوطلب و غیر انتفاعی اطلاق می‌شود که در سطح ملی یا محلی یا بین‌المللی سازماندهی شده است. NGOs با گرایش‌های مشترک مردم حرکت می‌کنند و وظیفه‌مدارند. آن‌ها خدمات متنوع و مأموریت‌های انسان‌دوستانه‌ای انجام می‌دهند، دغدغه‌های شهروندان را به گوش دولت‌مردان می‌رسانند، خط‌مشی‌ها را رصد می‌کنند، و مشارکت سیاسی را در سطوح محلی تشویق می‌کنند (United Nations, n.d).
وکیل (۱۹۹۷)	«سازمان مردم‌نهاد» (NGO) سازمانی خصوصی، غیر انتفاعی، و خودگردان است که برای بهبود کیفیت زندگی افراد محروم طراحی شده است (Vakil 1997).
بخش آماری سازمان ملل متحد (۲۰۰۳)	«سازمان مردم‌نهاد» (NPI) سازمانی است که ۱. طبق قانون یا عرف هر گونه مازادی را که ممکن است حاصل شود میان مالکان یا کنترل‌کنندگان خود توزیع نمی‌کند؛ ۲. به لحاظ نهادی از دولت جداست؛ ۳. خودگردان است؛ و ۴. غیر اجباری است (United Nations Statistics Division 2003).
نظام حساب‌های ملی ^۲ (SNA 2008) ۲۰۰۸	«سازمان مردم‌نهاد» (NPI) موجودیت قانونی یا اجتماعی ایجادشده به منظور تولید کالاها و خدمات است که موقعیت آن اجازه نمی‌دهد منبع درآمد، منفعت، یا عایدی مالی برای واحدهایی باشد که آن را ایجاد، کنترل، یا تأمین مالی می‌کند (European Commission, International Monetary Fund, Organisation for Economic Co-operation Development, United Nations, & World Bank 2009).
وکیل (۲۰۱۸)	«سازمان مردم‌نهاد» (NGO) سازمانی خصوصی، غیر انتفاعی، و خودگردان است که برای بهبود کیفیت و پایداری زندگی طراحی شده است (Vakil 2018).

تاریخچه ظهور پدیده «سازمان مردم‌نهاد» (NGO)

بسیار پیش‌تر از آنکه واژه NGO برای شرح این پدیده استفاده شود این پدیده وجود داشته است و مهم‌تر آنکه تکامل تاریخی NGOs را نمی‌توان بر اساس یک مسیر خطی مستقیم شرح داد (Davies 2018). اما نکته شایان بیان آن است که ریشه NGOs انحصاراً در غرب یا نظم جهانی لیبرالیستی غرب نیست، بلکه در همه قاره‌ها و بسیاری از کشورها ریشه

1. World Bank
2. System of National Accounts

عمیقی دارند. بنابراین، برخلاف باور عموم، نقش قابل توجه NGOs در سیاست‌های جهانی نتیجه ناخواسته هژمونی امریکا پس از جنگ جهانی دوم نیست و NGOs از انقلاب صنعتی تاکنون نقشی محوری در تحول نظم جهانی داشته‌اند (Davies 2018).

واژه NGO به واسطه ماده ۷۱ منشور سازمان ملل متحد کاربرد عمومی یافت. اما، همان‌طور که گفته شد، تاریخ آن بسیار طولانی‌تر است (Davies 2018). در حقیقت عبارت Non-Governmental Organization را نخستین بار سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ ارائه کرد؛ زمانی که منشور^۱ سازمان ملل تصویب شد، در ماده ۷۱ آن تصریح شد که NGOs می‌توانند برای اهداف مشاوره‌ای سازمان ملل به رسمیت شناخته شوند: «ماده ۷۱. شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند برای مشاوره با سازمان‌های غیر دولتی که به امور در حیطه صلاحیت شورا اشتغال دارند هر گونه تدابیر مناسب اتخاذ کند ...»

ابتدا متخصصان غالباً این واژه را برای اشاره به کنشگرانی استفاده می‌کردند که در بدنه بین‌المللی قرار داشتند و در بستر سازمان ملل متحد مشغول کار بودند. اما این برداشت بعد از دهه ۱۹۸۰ تغییر کرد و سایر NGOs در خارج از سازمان ملل متحد و همچنین NGOs ملی هم به رسمیت شناخته شدند (Martens 2002).

پیشینه پژوهش

تئوری‌هایی که در زمینه سازمان‌های مردم‌نهاد به مثابه تئوری‌های بخش غیر انتفاعی مورد توجه قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: ۱. «دولت رفاه»^۲؛ ۲. «شکست بازار/ شکست دولت»^۳؛ ۳. «شکست بخش داوطلب»^۴؛ ۴. «عرضه‌محور»^۵؛ ۵. «حکمرانی نوین»^۶؛ ۶. «حکومت بخش سوم»^۷؛ ۷. «ریشه‌های اجتماعی»^۸، و ... با توجه به آنکه شرح همه این تئوری‌ها در این مجال ممکن

-
1. Charter
 2. Welfare State
 3. Market Failure/ Government Failure Theory
 4. Voluntary Failure Theory
 5. Supply-side theories
 6. New Governance Theory
 7. Third-Party Government Theory
 8. Social Origins Theory

نیست، به مهم‌ترین آن‌ها، یعنی تئوری «شکست بازار/ شکست دولت»، پرداخته می‌شود. این تئوری را برتون وایزبراد^۱ (۱۹۷۵)، یکی از اقتصاددانان برجسته و تئوریسین‌های بخش غیر انتفاعی، مطرح کرد (Salamon & Anheier 1998) که با مفروضه «شکست بازار» آغاز می‌شود؛ مفروضه‌ای که به ناتوانی ذاتی بازار برای ارائه «کالاهای عمومی»^۲ اشاره می‌کند. اما اقتصاد کلاسیک این ناتوانی را توجیه اصلی می‌شمارد و نسخه استاندارد با عنوان «مداخله دولت‌ها» ارائه می‌دهد و نقش خاصی به بخش غیر انتفاعی نمی‌دهد. در این میان تئوری وایزبراد نسخه اقتصاد کلاسیک برای رویارویی با «شکست بازار» را رد و به «شکست دولت» نیز در تأمین کالاها و خدمات عمومی اشاره می‌کند. وی در ارتباط با «شکست دولت» می‌گوید در جوامع دموکراتیک دولت‌ها فقط کالاهایی را عرضه می‌کنند که اکثر شهروندان خواهان آن هستند. زیرا این کار باعث موفقیت انتخاباتی آنان می‌شود. به علاوه دولت‌ها نمی‌توانند به آسانی به همه نیازهای شهروندان بپردازند. بنابراین نیازهای برآورده نشده قابل توجهی باقی می‌ماند. در نتیجه وایزبراد بر آن است که باید به «سازمان‌های غیر انتفاعی (سازمان‌های مردم‌نهاد)» برای تأمین این نیازها توجه شود (Salamon & Anheier 1998; Salamon & Toepler 2015).

پیشینه پژوهش در عرصه بین‌المللی

تا کنون پژوهش‌های علمی بسیاری در خصوص سازمان‌های مردم‌نهاد صورت گرفته است و یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد، به طور قابل توجهی، مطالعات در این حوزه گسترش یافته است (Shier & Handy 2014) و تعداد مطالعات انجام شده در این بخش به اندازه‌ای زیاد است که به نظر می‌رسد حتی خواندن عناوین آن‌ها نیز ممکن نباشد. بنابراین، به تازگی تعدادی انگشت‌شمار از پژوهش‌های انجام شده تنها روند تولید دانش در این زمینه را بررسی کرده‌اند (Brass et al 2018; Ma & Konrath 2018; Shier & Handy 2014; Smith 2013). در ادامه به مهم‌ترین نکات و یافته‌هایی که از این پژوهش‌های معتبر به دست آمده است اشاره می‌شود^۳:

1. Burton Weisbrod

2. Public Goods

۳. همان‌طور که اشاره شد با توجه به آنکه در پژوهش‌هایی که روند مطالعات در حوزه سازمان‌های مردم‌نهاد در

• در بازه زمانی ۲۵ ساله ۱۹۸۶ تا ۲۰۱۰ تعداد ۳،۷۹۰ پایان‌نامه و تز دانشگاهی در حوزه Nonprofit Studies در پایگاه اطلاعاتی Proquest نمایه شده است. غالب مطالعات انجام‌شده در آکادمی‌های ایالات متحده (۸۰٪) صورت گرفته است. نکته جالب توجه آن است که اگرچه برخی مطالعات مربوط به NPOs خارج از ایالات متحده آمریکا بوده است، در آمریکا انجام شده است (Shier & Handy 2014).

• از میان ۱۰،۱۳۵ نویسنده از ۳،۵۰۶ مؤسسه در سراسر جهان در فاصله زمانی ۱۹۲۵ تا ۲۰۱۶، که در پایگاه Scopus در زمینه مطالعات غیر انتفاعی و بشردوستانه انتشارات^۱ داشته‌اند، دانشگاه Indiana University در ایالات متحده آمریکا، در صدر تعداد تولید پژوهش‌ها قرار دارد و در میان ۲۰ مؤسسه اول در جهان ۱۴ مؤسسه در آمریکا قرار دارد (Ma & Konrath 2018).

• با وجود ۳۵ سال پژوهش، در میان ۳۰۰۰ مقاله آکادمیک در پایگاه اطلاعاتی EBSCO، ۵۵ کشور حتی یک مقاله هم در زمینه NGOs ندارند؛ از جمله عمان و امارات متحده عربی (Brass et al 2018).

پیشینه پژوهش‌های داخلی

دو پایگاه معتبر فارسی‌زبان که پایان‌نامه‌ها و نشریات علمی را نمایه می‌سازند در این حوزه بررسی شدند: ۱. پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)؛ ۲. پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID). با جست‌وجوی جداگانه^۲ کلیدواژگان «سازمان‌های مردم‌نهاد»، «سازمان مردم‌نهاد»، «سازمان‌های غیر دولتی»، «سازمان غیر دولتی»، و «NGO» میان بانک نشریات فارسی نمایه‌شده در پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) ۴۸

آن‌ها بررسی شده از معادل‌های لاتین متعدد استفاده شده است، در ادامه، واژه لاتینی که در منبع اصلی برای اشاره به سازمان‌های مردم‌نهاد آمده در متن خواهد آمد؛ مثلاً NPOs, NGOs, ...

۱. شامل یادداشت‌ها (Articles)، مقالات در حال نشر (Articles in press)، مقالات (Papers)، مرورها (Reviews)، و پیمایش‌های کوتاه (Short survey).

۲. در این پایگاه داده‌ای امکان جست‌وجوی پیشرفته هم‌زمان وجود ندارد. بنابراین واژه‌های کلیدی به صورت جداگانه جست‌وجو شدند و موارد همسان میان یافته‌ها حذف شدند.

عنوان مقاله پژوهشی ثبت شده یافت شد که هیچ یک به بستر پدیده سازمان های مردم نهاد در ایران نپرداخته اند. به علاوه با جست و جوی پیشرفته هم زمان واژگان «سازمان های مردم نهاد»، «سازمان مردم نهاد»، «سازمان های غیر دولتی»، «سازمان غیر دولتی»، و «NGO» نمایه شده در پایگاه داده ای ایرناداک، تعداد ۱۰۲ عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد و ۱۰ عنوان رساله دکتری ثبت شده یافت شد که هیچ یک از آنها مستقیم به بستر پدیده سازمان های مردم نهاد در ایران نپرداخته اند.^۱

روش تحقیق

پژوهش حاضر با استفاده از روش شناسی «نظریه داده بنیاد»^۲ صورت گرفت. این روش شناسی به دنبال خلق تئوری نوینی است که ریشه در داده های تجربی دارد (Bryant & Charmaz 2007). باور بر این است که «نظریه داده بنیاد» به دلیل مفهوم سازی هایی که از الگوهای اجتماعی دارد فراتر از همه روش های تشریحی است (Glaser 2002) و ظرفیت بالایی برای تفسیر پدیده های پیچیده دارد و به محقق آزادی عمل بیشتری برای بررسی حوزه مطالعه و ظهور مفاهیم می دهد (Jones & Alony 2011). اما نکته شایان بیان آن است که «نظریه داده بنیاد» با رویکردهای متعدد مورد توجه بوده است؛ مهم ترین آنها رویکرد نظام مند (اشتراوسی)^۳ و رویکرد ظاهرشونده (گلیزری)^۴ هستند. هر یک از این رویکردها رویه ها و گام های متفاوتی را برای تحقق نظریه داده بنیاد دنبال می کنند. در پژوهش حاضر از رویکرد ظاهرشونده (گلیزری) استفاده شد. زیرا رویکرد ظاهرشونده در مقایسه با رویکرد نظام مند با مبانی روش شناختی «نظریه داده بنیاد» هم گام تر است و به جای تحمیل نظریه به داده ها ظهور نظریه از داده ها را مبنا قرار می دهد و الگوهای گسترده تر و متنوع تری را جهت تلفیق داده ها ارائه می کند (ساغروانی و همکاران ۱۳۹۳).

۱. اشاره به پایان نامه ها و رساله های ثبت شده در این پایگاه داده ای در این مجال نمی گنجد.

2. Grounded Theory
3. Strussian or Systematic Approach
4. Glaserian or Emergent Approach

روش نمونه‌گیری و جمع‌آوری اطلاعات

در پژوهش حاضر با استفاده از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری شد. در «نظریه داده‌بنیاد» مصاحبه‌ها مطلوب‌ترین نوع داده‌ها هستند (Glaser & Holton 2007). بر اساس «نظریه داده‌بنیاد» مصاحبه‌شوندگان بر مبنای اصل «نمونه‌گیری نظری»^۱ انتخاب می‌شوند و معیار قضاوت در زمینه زمان توقف نمونه‌گیری اشباع نظری^۲ است. در نمونه‌گیری نظری مصاحبه‌شوندگان به تدریج بر اساس نیازهای توصیفی، که با ظهور مفاهیم و تئوری نمودار می‌شود، انتخاب می‌شوند و اشباع نظری هنگامی رخ می‌دهد که محقق اطمینان کند نیازی به جمع‌آوری داده‌های بیشتر نیست (Bryant & Charmaz 2007). بر این اساس در پژوهش حاضر ۲۰ مصاحبه با دست‌اندرکاران آگاه در حوزه سازمان‌های مردم‌نهاد تا رسیدن به اشباع نظری صورت گرفت؛ که از میان مصاحبه‌شوندگان ۲ نفر به دلایل امنیتی اجازه مکتوب کردن مصاحبه و اشاره به نامشان را به محقق ندادند.

روش تحلیل داده‌ها

در روش‌شناسی «نظریه داده‌بنیاد» تحلیل داده‌ها از طریق فرایند کدگذاری صورت می‌گیرد. کدگذاری از طریق شکستن داده‌ها پژوهشگر را از سطح تجربی حرکت می‌دهد؛ طوری که وی داده‌ها را در کدهایی گروه‌بندی می‌کند که به نظریه تبدیل خواهد شد (Glaser 1978). در پژوهش حاضر دو گام اصلی کدگذاری در رویکرد ظاهرشونده بدین ترتیب دنبال شد:^۳

۱. گام اول: کدگذاری حقیقی (جوهری)^۴: در این گام محقق به کشف مفاهیم می‌پردازد.

۱. ۱. کدگذاری باز^۵

۱. ۲. کدگذاری انتخابی^۶

1. Theoretical sampling

2. Theoretical saturation

۳. گفتنی است جهت کدگذاری داده‌ها در مرحله کدگذاری حقیقی از نرم‌افزار MAXQDA نسخه ۲۰۱۸ استفاده شد.

4. Substantive Coding

5. Open Coding

6. Selective Coding

۲. گام دوم: کدگذاری نظری^۱: در این گام محقق اقدام به تلفیق مفاهیم می‌کند. کدهای حقیقی جوهره حقیقی فضای پژوهش را مفهوم‌سازی و کدهای نظری چگونگی ارتباط ممکن میان کدها را در جهت تلفیق به صورت یک نظریه یکپارچه مفهوم‌سازی می‌کنند (Glaser 1978).

گام اول

کدگذاری باز

در گام کدگذاری باز، داده‌ها به هر طریق ممکن کدگذاری می‌شوند. به عبارت دیگر، داده‌ها به صورت باز اداره می‌شوند. بر اساس رویکرد ظاهرشونده، کدگذاری باز تا ظهور اثر مقوله محوری^۲ ادامه می‌یابد تا در مرحله بعد، یعنی مرحله کدگذاری انتخابی، کدگذاری بر اساس مقوله محوری هدایت شود. زیرا خلق یک نظریه حول مقوله محوری رخ می‌دهد (Glaser 1978). مقوله محوری بیشترین تغییرات حول دغدغه اصلی مشارکت‌کنندگان را توضیح می‌دهد. تمرکز مطالعه و تمرکز داده‌های جمع‌آوری انتخابی در مراحل بعدی خواهد بود (Glaser & Holton 2007). فرایند کدگذاری باز با ظهور مقوله محوری پایان می‌یابد (Glaser 1978).

کدگذاری انتخابی

با ظهور مقوله محوری، کدگذاری انتخابی آغاز و مصاحبه‌ها در جهت متغیر محوری کدگذاری می‌شوند. فرایند کدگذاری انتخابی نیز همچون فرایند کدگذاری باز صورت می‌گیرد؛ منتها در این مرحله تفاوت در این است که کدگذاری‌ها حول مقوله محوری صورت می‌گیرد، بدین معنا که محقق کدگذاری را بر مبنای مقوله محوری صورت می‌دهد.

گام دوم

کدگذاری نظری

در این مرحله، کدهای به‌دست‌آمده از گام اول در سطح بالاتری از انتزاع تحت عنوان مفاهیم تلفیق می‌شود و در ادامه مفاهیم حاصل جهت ایجاد مدل نهایی پژوهش با یکدیگر

1. Theoretical Coding
2. Core Concept

تلفیق می‌شوند.^۱ به عبارت دیگر، این مرحله از کدگذاری به تلفیق مفاهیم بر اساس یک الگوی ارتباطی اشاره می‌کند و به محقق اجازه می‌دهد به صورت تحلیلی به پیوند ممکن میان مقولات ببیند (Locke 2001). بنابراین، کدهای نظری عبارت‌اند از مدل‌های انتزاعی که مفاهیم حاصل را در جهت یک نظریه تلفیق می‌کنند (Glaser & Hon 2005). گلیرز در رویکرد ظاهرشونده برخلاف اشتراوس، که تنها یک مدل سیستماتیک برای تلفیق داده‌ها پیشنهاد می‌کند، محقق را جهت تلفیق داده‌ها و ایجاد مدلی تحت عنوان «کد نظری» آزاد می‌گذارد. منتها گلیرز طی سال‌های متمادی در ۳ منبع اصلی انواعی از «کدهای نظری» را به محققان نشان می‌دهد: ۱. ۱۸ کد نظری در کتاب حساسیت نظری^۲ در سال ۱۹۷۸؛ ۲. ۹ کد نظری در کتاب *انجام نظریه داده‌بنیاد*^۳ در سال ۱۹۹۸؛ ۳. ۲۳ کد نظری در کتاب *چشم‌انداز ۳ نظریه داده‌بنیاد: کدگذاری نظری*^۴ در سال ۲۰۰۵.

گام‌های تحلیل داده‌ها در پژوهش

مرحله اول از گام اول (کدگذاری باز): در مرحله اول از گام اول پژوهش حاضر، محقق پس از مصاحبه پنجم دغدغه اصلی مصاحبه‌شوندگان را حول مقوله محوری زیر به دست آورد:

«وضعیت نامتناسب و ناشایست پدیده سازمان‌های مردم‌نهاد و بستر آن در کشور»^۵
 مرحله دوم از گام اول (کدگذاری انتخابی): در ادامه، پس از پایان مرحله دوم از گام اول پژوهش حاضر، ۹۸۰ کد از میان ۱۸ مصاحبه استخراج شد.

۱. در واقع در فرایند پژوهش گام به گام بر درجه انتزاع داده‌های حاصل از پژوهش، که همان مصاحبه‌هاست، افزوده می‌شود. بدین ترتیب داده‌ها تبدیل به کدها و کدها تبدیل به مفاهیم می‌شوند و در انتها مفاهیم با یکدیگر تلفیق می‌شوند و مدل نهایی پژوهش را شکل می‌دهند و نظریه‌ای داده‌بنیاد را نمودار می‌سازند.

2. *Theoretical Sensitivity*

3. *Doing Grounded Theory*

4. *The grounded theory perspective III: Theoretical coding*

۵. گلیرز (۱۹۷۸) قویاً تأکید می‌کند که نام‌گذاری یا عنوانی که در این مرحله به مقوله محوری به‌دست‌آمده اختصاص می‌دهیم طی مراحل بعدی کدگذاری ممکن است تغییر کند. زیرا ممکن است محقق آنچه را متغیر محوری است احساس کند؛ اما قادر به فرمول‌بندی مفهومی متناسب نباشد.

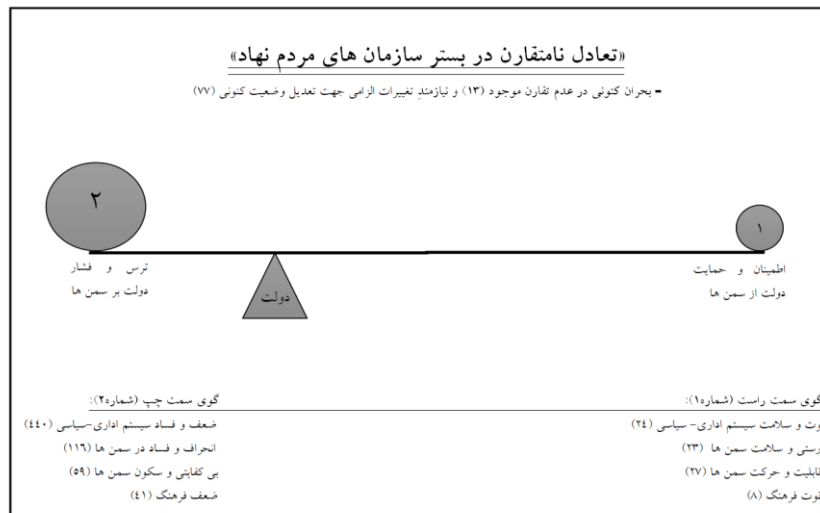
گام دوم (کدگذاری نظری): در گام دوم پژوهش حاضر، کدهای به دست آمده در سطح بالاتری از انتزاع با یکدیگر تلفیق و ۱۲ مفهوم نمودار شد. جدول ۲ عناوین مفاهیم حاصل از تلفیق کدها و تعداد کدهایی را که هر مفهوم در خود جای داده است نشان می‌دهد.

جدول ۲. مفاهیم حاصل از تلفیق کدها

تعداد کدها	مفاهیم	چند نمونه از کدهای زیر مجموعه هر مفهوم
۴۴۰	ضعف و فساد سیستم اداری-سیاسی	- خلاً قانون مصوب سمن ها - اولویت مسائل سیاسی و امنیتی نسبت به مسائل اجتماعی کشور - نداشتن پشتوانه مطالعات حقوقی در تدوین لایحه اخیر - رویه غیر شفاف کمک های دولتی به برخی سمن ها و ...
۱۴۹	ترس و فشار دولت بر سمن ها	- نگاه سیاسی و امنیتی مسئولین نسبت به سمن ها - محدود شدن حقوق سمن ها در قانون آیین دادرسی ایران
۱۱۶	انحراف و فساد در سمن ها	- تأسیس برخی سمن ها با هدف نفوذ و کسب قدرت - سمن ها به عنوان شرکت مهندسی مشاور و پیمانکار و ...
۵۹	بی کفایتی و سکون سمن ها	- سکوت یا بی تفاوتی سمن ها به حقوق خود - نداشتن ساختار تشکیلاتی در سمن ها و ...
۴۱	ضعف فرهنگی	- تلقی مردم از بی اثر بودن گام های کوچک - فرهنگ سکون و انتظار و ...
۲۷	قابلیت و حرکت سمن ها	- آشنایی برخی سمن ها با مفهوم توسعه به دلیل تعاملات بین المللی - توفیق برخی سمن ها در دریافت اعتبارات بین المللی
۲۴	قوت و سلامت سیستم اداری-سیاسی	- تعریف کارگروه مشارکت اجتماعی در شورای اجتماعی کشور - تخصیص مکان توسط دولت به برخی سمن ها و ...
۲۳	درستی و سلامت سمن ها	- انگیزه خدمت به خلق برای تأسیس برخی سمن - انگیزه رضای خدا برای تأسیس برخی سمن و ...
۸	قوت فرهنگ	- سابقه طولانی فعالیت های اجتماعی در کشور - تأکید آموزه های دینی اسلام بر حضور مردم و ...
۳	اطمینان و حمایت دولت از سمن ها	- اطمینان و حمایت دولت از سمن ها - اطمینان و حمایت دولت از سمن ها
۱۳	بحران کنونی در عدم تقارن موجود	- باخت دوجانبه دولت و مردم - وقوع بحران های فرهنگی و اجتماعی و ...
۷۷	تغییرات الزامی جهت تعدیل وضعیت کنونی	- لزوم توسعه کیفی سمن ها به جای گسترش کمی - لزوم تصویب قانون جامع سمن ها در مجلس و ...

در ادامه گام کدگذاری نظری مفاهیم حاصل جهت شکل‌گیری مدل نهایی پژوهش (شکل ۱) با یک‌دیگر تلفیق و مدلی تحت عنوان «تبادل نامتقارن در بستر سازمان‌های مردم‌نهاد» نمودار شد.

این مدل پدیده سازمان‌های مردم‌نهاد و بستر آن را، که دربردارنده بستر اداری-سیاسی و بستر فرهنگی و ... است، در قالب تعادلی نامتقارن به شکل الاکلنگی تصویر کرده است. به عبارت دیگر، این مدل الاکلنگی هم‌اکنون در نقطه تعادلی قرار دارد؛ نقطه‌ای که در آن گوی سمت چپ به مراتب بزرگ‌تر از گوی سمت راست است و مثلث نگه‌دارنده به سمت چپ متمایل شده است. در حقیقت، قرار گرفتن مثلث در سمت چپ بار گوی سمت چپ را تحمل کرده و تعادل سیستم را موجب شده است. در مجموع، مدل حاصل نشان می‌دهد این پدیده و بستر آن در عین عدم تقارن متعادل است.



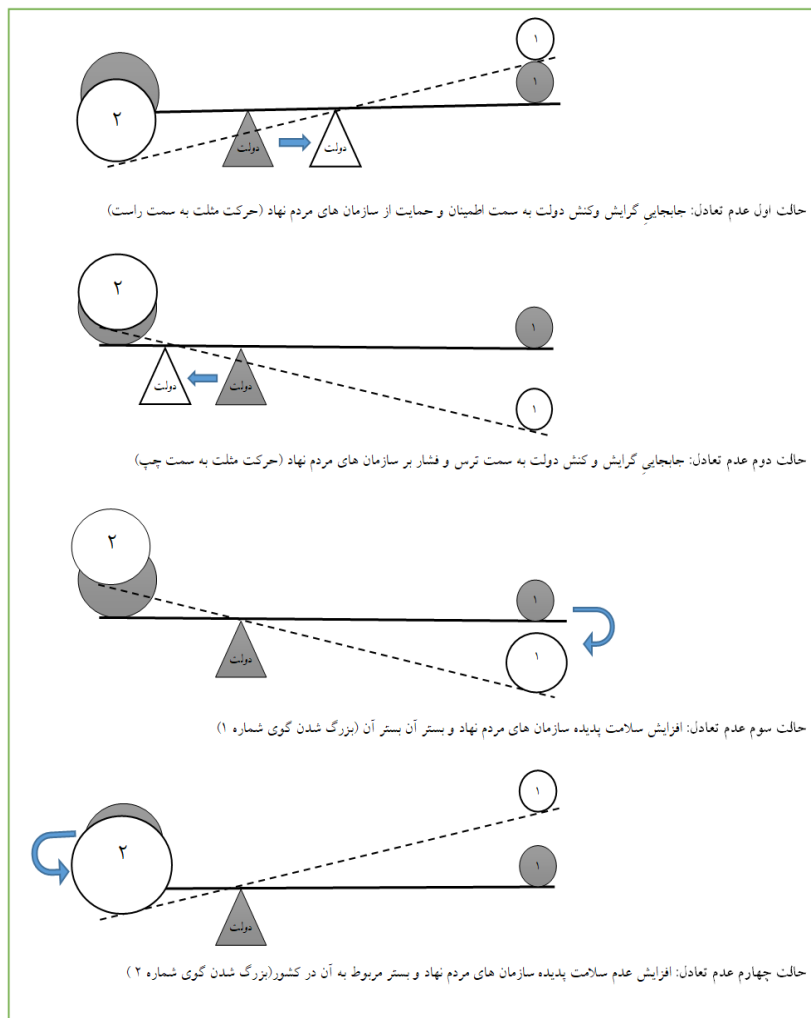
شکل ۱. مدل نهایی پژوهش

نکات: اعداد درج‌شده در مقابل مفاهیم به دست‌آمده نشان‌دهنده تعداد کدهای مربوط به آن مفهوم است. از مخفف واژه سازمان‌های مردم‌نهاد تحت عنوان سمن استفاده شده است.

شرح مدل

۱. تعادل تصویرشده در این مدل پابرجایی کنونی پدیده سازمان‌های مردم‌نهاد و بستر آن را نشان می‌دهد. این بستر به نظام سیاسی و نظام اجتماعی و ... در کشور اشاره می‌کند.
۲. عدم تقارن تصویرشده در مدل عدم توازن در سلامت پدیده سازمان‌های مردم‌نهاد و بستر آن نسبت به عدم سلامت آن را نشان می‌دهد؛ طوری که وزن عدم سلامت در سیستم بیشتر است.
۳. گوی سمت راست نشان‌دهنده زوایای مثبت و سالم سازمان‌های مردم‌نهاد و بستر مربوط به آن در کشور است و عناصر آن شامل قوت و سلامت سیستم اداری-سیاسی، درستی و سلامت سمن‌ها، قابلیت و حرکت سمن‌ها، و قوت فرهنگ است. اندازه این گوی با رشد هر یک از عناصر یادشده افزایش و بالعکس با افول هر یک از عناصر کاهش می‌یابد.
۴. گوی سمت چپ نشان‌دهنده زوایای منفی و ناسالم سازمان‌های مردم‌نهاد و بستر مربوط به آن در کشور است و عناصر آن شامل ضعف و فساد سیستم اداری-سیاسی، انحراف و فساد در سمن‌ها، بی‌کفایتی و سکون سمن‌ها، و ضعف فرهنگ است. اندازه این گوی با رشد هر یک از عناصر یادشده افزایش و بالعکس با افول هر یک از عناصر کاهش می‌یابد.
۵. مثلث نگه‌دارنده نشان‌دهنده گرایش‌های فکری و کنش‌های دولت در ارتباط با جامعه مدنی، به‌خصوص سازمان‌های مردم‌نهاد، است. این مثلث بر محوری در حرکت است. حرکت به سمت چپ نشان‌دهنده ترس بیشتر دولت از سازمان‌های مردم‌نهاد و فشار دولت بر آن‌هاست. حرکت به سمت راست نشان‌دهنده اطمینان بیشتر دولت به سازمان‌های مردم‌نهاد و حمایت دولت از آن‌هاست.
۶. این سیستم در جهت حفظ تعادل و پایداری خود تلاش می‌کند. اما ممکن است این تعادل با حرکت مثلث در محور الاکلنگ یا تغییر اندازه گوی‌ها به هم بریزد

(شکل ۲). با به هم ریختن تعادل، در سیستم دو حالت ممکن است رخ دهد: ۱. عدم تعادل منجر به فروپاشی سیستم می‌شود؛ ۲. سیستم ناپایداری موقت را تجربه می‌کند و در نقطه جدیدی تعادل خود را باز می‌یابد (یا اندازه گوی‌ها تغییر می‌کند یا گرایش‌ها و کنش‌های دولت جابه‌جا می‌شود).



شکل ۲. حالات مختلف به وجود آمدن عدم تعادل در بستر سازمان‌های مردم‌نهاد

نتیجه

مدل به دست آمده از پژوهش حاضر، که حاصل تلفیق کدهای به دست آمده در بالاترین سطح انتزاع است، نشان می‌دهد در دوره کنونی سیستم متعادل و پایدار حفظ شده حاصل عدم توازن است که در آن ۱. ضعف و عدم سلامت سازمان‌های مردم‌نهاد و بستر آن نسبت به قوت و سلامت آن بیشتر است و ۲. ترس و گرایش‌های امنیتی دولت در ارتباط با سازمان‌های مردم‌نهاد چشمگیر است. با وجود این، این عدم تقارن در نقطه‌ای متعادل حفظ شده است. بدین معنا که سیستم همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد. اما همان‌طور که گفته شد با هر تغییری تعادل سیستم به هم می‌ریزد و این عدم تعادل یا منجر به فروپاشی می‌شود یا سیستم تعادل خود را در نقطه جدیدی بازمی‌یابد (شکل ۲).

اما نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد، اگرچه سیستم در وضعیت متعادلی قرار دارد و همچنان پابرجاست، این سیستم در موقعیت نامناسبی قرار دارد. چون تحلیل داده‌ها به مفهوم «بحران کنونی در عدم تقارن موجود» اشاره می‌کند که در این مفهوم می‌توان به کدهایی اشاره کرد؛ از جمله «وقوع بحران‌های فرهنگی و اجتماعی»، «ریزش داوطلبان مردمی به دلیل ترس از عواقب پیش‌بینی ناپذیر»، «بی‌اعتمادی مردم به دولت»، «بی‌اعتمادی مردم به دولت»، و ...

در این زمینه، تحلیل داده‌های پژوهش به این نتیجه رسید که تغییر وضعیت کنونی در جهت ایجاد موقعیت مناسب و پایدار به جای موقعیت نامناسب و پایدار الزامی است. در این رابطه مفهوم به دست آمده تحت عنوان «تغییرات الزامی جهت تعدیل وضعیت کنونی» بر ایجاد تغییرات متعدد تأکید می‌کند؛ از جمله «لزوم تصویب قانون جامع سمن‌ها در مجلس»، «لزوم تعیین اختیارات مسئولان در حوزه سمن‌ها»، «لزوم حرکت‌های سازماندهی شده از سوی مردم»، «الزام ایجاد نهادی قانونی برای نظارت سمن‌ها بر خودشان»، و ...

بنابراین چنین نتیجه‌گیری می‌شود که موقعیت کنونی موقعیت متعادل اما نامتقارن و نامناسبی است که الزاماً تغییر در وضعیت کنونی را در جهت سلامت و قوت پدیده

سازمان‌های مردم‌نهاد و بستر آن و به‌علاوه تغییر گرایش و کنش‌های دولت می‌طلبند. در حقیقت اگرچه شرایط فعلی کشور سلامت سازمان‌های مردم‌نهاد و بستر آن‌ها را نشان می‌دهد، وزن بیشتر عدم سلامت آن نیازمند تدبیر پژوهشگران و سیاستگذاران و مجریان جهت اصلاح امور است.

در مجموع پژوهش حاضر زوایای نوینی از پدیده سازمان‌های مردم‌نهاد و بستر آن را به تصویر کشیده است که در آن، برخلاف نگرش غالب، صرفاً نقاط ضعف و عدم سلامت این پدیده برجسته نشده است؛ بلکه به نقاط قوت و درجه‌ای از سلامت آن اشاره شده است. به‌علاوه این پژوهش برای نخستین بار، در کنار تبیین شرایط موجود، با پیش‌بینی شرایط محتمل در آینده، افق نوینی در تحلیل این پدیده گشوده است. اما نتایج هر پژوهشی در حوزه‌های اجتماعی نمی‌تواند کامل و بدون نیاز به بازنگری تلقی شود. ازین‌رو، به محققان این حوزه توصیه می‌شود با تحلیلی عمیق‌تر از مفاهیم این پژوهش بر غنی شدن آن بیفزایند.

منابع

ساغروانی، سیما؛ سعید مرتضوی؛ محمد لگزیان؛ رحیم نیا (۱۳۹۳). «تحمیل نظریه به داده‌ها یا ظهور نظریه از داده‌ها: نظریه‌پردازی در علوم انسانی با روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد»، *مبانی تعلیم و تربیت*، ۷(۴)، صص ۱۵۱ - ۱۷۰.

References

- Anheier, H. K. (2005). *A Dictionary of Civil Society, Philanthropy and the Third Sector*, London, United Kingdom: Routledge.
- Brass, J. N., Longhofer, W., Robinson, R. S., & Schnable, A. (2018). "NGOs and international development: A review of thirty-five years of scholarship", *World Development*, 112, pp. 136-149. doi:https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2018.07.016
- Bryant, A. & Charmaz, K. (2007). *The Sage handbook of grounded theory*, Sage.
- Davies, T. (2018). *The historical development of NGOs Handbook of Research on NGOs*, Edward Elgar Publishing.
- European Commission, International Monetary Fund, Organisation for Economic Co-operation Development, United Nations, & World Bank (2009). *System of national accounts 2008*, New York.
- Glaser, B. G. & Holton, J. (2007). "Remodeling grounded theory", *Historical Social Research/Historische Sozialforschung, Supplement*, 19(32), pp. 47-68.
- Glaser, B. G. & Hon (2005). "Staying open: the use of theoretical codes in grounded theory", *The Grounded Theory Review*, 5(1), pp. 1-20.
- Glaser, B. G. (1978). *Theoretical sensitivity: Advances in the methodology of grounded theory*, Mill Valley, CA: The Sociology Press.
- (1998). *Doing grounded theory: Issues and discussions*, Sociology Press.
- (2002). "Conceptualization: On theory and theorizing using grounded theory", *International Journal of Qualitative Methods*, 1&(2), pp. 23-38.
- (2005). *The grounded theory perspective III: Theoretical coding*: Sociology Press.
- Hall, M. & O'Dwyer, B. (2017). "Accounting, non-governmental organizations and civil society: The importance of nonprofit organizations to understanding accounting, organizations and society", *Accounting, Organizations and Society*, 63, pp. 1-5. doi:https://doi.org/10.1016/j.aos.2017.11.001
- Jones, M. & Alony, I. (2011). "Guiding the use of Grounded Theory in Doctoral studies—an example from the Australian film industry", *International Journal of Doctoral Studies*, 6, pp. 95-114.
- Lewis, D. (2010). "Nongovernmental Organizations, Definition and History", In H. K. Anheier & S. Toepler (Eds.), *International Encyclopedia of Civil Society* (pp. 1056-1062). New York, NY: Springer US.
- Locke, K. D. (2001). *Grounded theory in management research*: Sage Publications

Limited.

- Ma, J. & Konrath, S. (2018). A Century of Nonprofit Studies: Scaling the Knowledge of the Field. *Voluntas*. doi:10.1007/s11266-018-00057-5.
- Malena, C. (1995). Working with NGOs: a practical guide to operational collaboration between the World Bank and nongovernmental organizations (15013). Retrieved from <http://documents.worldbank.org/curated/en/814581468739240860/Working-with-NGOs-a-practical-guide-to-operational-collaboration-between-the-World-Bank-and-nongovernmental-organizations>
- Martens, K. (2002). "Mission impossible? Defining nongovernmental organizations", *Voluntas: International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations*, 13(3), pp. 271-285.
- Saghravani, S., Mortazavi, S., Lagzian, M., & Rahimnia, F. (2014). "Forcing theory on data or emerging theory from data: Theory building in humanities using grounded theory methodology", *Foundations of education*, 7(4), pp. 151-170. (in Persian)
- Salamon, L. M. & Anheier, H. K. (1992). "In search of the non-profit sector. I: The question of definitions", *Voluntas*, 3(2), pp. 125-151. doi:10.1007/BF01397770.
- (1998). "Social Origins of Civil Society: Explaining the Nonprofit Sector Cross-Nationally", *Voluntas*, 9(3), pp. 213-248. doi:10.1023/A:1022058200985.
- Salamon, L. M. & Toepler, S. (2015). "Government-Nonprofit Cooperation: Anomaly or Necessity?", *Voluntas*, 26(6), pp. 2155-2177. doi:http://dx.doi.org/10.1007/s11266-015-9651-6
- Shier, M. L. & Handy, F. (2014). "Research Trends in Nonprofit Graduate Studies: A Growing Interdisciplinary Field", *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 43(5), pp. 812-831. doi:10.1177/0899764014548279
- Smith, D. H. (2013). "Growth of research associations and journals in the emerging discipline of altruistic", *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 42(4), pp. 638-656.
- United Nations (n.d.). NGO Relations and Liaison Service. Retrieved from: <https://outreach.un.org/ngorelations/content/about-us-0>
- United Nations Statistics Division (2003). Handbook on non-profit institutions in the system of national accounts. New York: United Nations Publication Sales no. 03.XVII.9 Studies in methods, Series: F, No.91.
- Vakil, A. C. (1997). Confronting the classification problem: Toward a taxonomy of NGOs. *World Development*, 25(12), 2057-2070. doi:10.1016/S0305-750X(97)00098-3.
- (2018). A return to the classification problem: revising a framework for studying NGOs Handbook of Research on NGOs: Edward Elgar Publishing.